

مورخ ۱۹ یا ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در پاریس : درباره مفتریات اعداء و غلبه امرالله

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مورخ ۱۹ یا ۲۰ نوامبر ۱۹۱۱ در منزل مبارک در
پاریس :

درباره مفتریات اعداء و غلبه امرالله^۱

(خطابات جلد اول، ص. ۱۸۶-۱۹۲)

هو الله

^۱ نطق مبارک ۲۸ ذی قعدة ۱۳۲۹ در منزل مبارک - در پاریس ۱۹ نوامبر ۱۹۱۱



ORIGINAL



AUDIO

از بدایت عالم تا امروز هر وقت ندای الهی بلند شد، ندای شیطان هم بلند شد. زیرا همیشه ظلمت می خواهد مقاومت نور کند، ظلم می خواهد مقاومت عدل نماید، جهل می خواهد مقاومت علم نماید. این عادت مستمره اهل این جهانست.

ملاحظه کنید در زمان موسی، فرعون بود، مقاومت می کرد تا نورانیت حضرت موسی را از انتشار منع کند. در زمان حضرت مسیح، قیافا و حنا رؤسای مذهب یهود بودند. اینها به نهایت قوت مقاومت حضرت مسیح می کردند و افتراهایی چند به حضرت نوشتند و انتشار دادند. حتی مجمع فریسیان حکم بر قتل مسیح داد که این شخص مسیح است، استغفر الله گمراه است، استغفر الله بی پدر مشروعست، چیزهایی که نمی خواهم بر زبان بیاورم و در بین جمیع یهود شرق این مفتریات را انتشار میدادند و مقصدشان اینکه نورانیت مسیح را منع کنند. و همچنین در زمان محمد علمای قریش خواستند نورانیت حضرت محمد را از انتشار منع کنند. جمیع فتوی برقتل او دادند و نهایت اذیت را بر او وارد آوردند و بقوه شمشیر خواستند آن بنیان عظیم را هدم نمایند. آیا هیچ یک توانستند مقاومت نمایند؟ عاقبت مغلوب شدند و نورانیت امر الهی آفاق را احاطه کرد. جمیعشان مانند اردوی شکست خورده از میدان در رفتند. کلمه الله نافذ شد، شریعت الله منتشرگشت، تعالیم الهیه آفاق را احاطه کرد. نفوسیکه در ظل حق بودند مثل ستاره از افق سعادت کبری درخشیدند.

حال هم باز همان دستگاه است. جمعی نادان که خود را بدین نسبت می دهند می خواهند نورانیت بهاء الله را منع کنند مقاومت امر الله نمایند تا آفاق را از این اشراق محروم نمایند. چون که برهانی ندارند به افترا دست زنند، زیرا عادت مردم نادان چنین است. وقتی که برهان ندارند؛ شمشیرشان افتراست؛ و الا اگر برهان داشته باشند؛ به آن مهاجمه نمی نمودند صحبت می کردند بدگویی نمی نمودند؛ کلام رذیل بر قلم و زبان نمی راندند؛ مثل مرد میدان بیان برهان می کردند. ما با آنها نزاع و جدالی نداریم، بدگویی از آنها نمی کنیم، حقیقت حال آنها و سوء سیرت آنان را بیان نمی کنیم به برهان لب گشائیم. می گوئیم برهان ما اینست، اگر شما در مقابل برهان ما برهانی دارید بنمائید. اما آنها ابداً نزدیک نمی آیند زبان به افترا گشایند و در جرائد مرقوم میدارند که این بهائیان چنین و چنانند. چنانکه فریسیان در حق حواریین می گفتند هر چه از قلمشان جاری شود، می نویسند.

وقتیکه شما ملاحظه کنید چنین اوراقی منتشر شد، ابداً مکدر نشوید به کمال قوت به موجب تعالیم بهاء الله عمل نمائید، اعتنائی نکنید همین نفوس سبب می شوند که کلمه الله بین خلق منتشر می شود. البته نفوسی که منصفند فحص می کنند تحقیق و تدقیق می کنند، همان فحص و تدقیق سبب هدایت آنها می شود. مثل اینست که کسی بگوید در فلان اطاق شمعی است خاموش. بعد شخص سامع فحص کند

بیند روشن است. می شنود در فلان باغ درختانی زرد برگ شکسته شاخ تلخ ثمر است و گلهها بد بو زهار نزدیک او نروید. لابد نفوسیکه منصفند با این قناعت نمی کنند بلکه می گویند میرویم می بینیم و تحری حقیقت می نمائیم. چون فحص و تحقیق نمایند، می بینند درختهای باغ در نهایت اعتدالست ساقها در نهایت راستی برگها در نهایت سبزی، شکوفه ها در نهایت معطری میوها در نهایت حلاوت گلهها در نهایت طراوت. پس می گوید الحمد لله آن بدگو سبب شد که من به این باغ راه یافتم سبب هدایت من شد. این بدگویان چنینند سبب می شوند که مردم تفحص می کنند.

در زمان مسیح کتبی که در مذمت مسیح تألیف کردند، افتراهایی که به مسیح زدند کذب هائی که در حق حواریین گفتند، آیا هیچ اثری داشت؟ کتب که فلاسفه آن زمان ردّ به مسیح نوشتند، آیا هیچ ضرری رسانید؟ بلکه جمیع آن کتب سبب ترویج شد، زیرا ذکر مسیح را مردم شنیدند، به تفحص و تجسس آمدند و هدایت یافتند. ما نمی خواهیم در حق این نفوس حرفی بزنیم، ما بد نمی گوئیم بلکه همین قدر می گوئیم این مفتریات ابداً عظمی ندارد. این مفتریات به منزله ابر است که حجاب آفتاب گردد. ابر هر قدر کثیف باشد اشعه آفتاب عاقبت او را متلاشی می نماید و محو میکند. انوار آفتاب حقیقت را هیچ ابری حجاب نشود، نسیم گلستان الهی را هیچ سدّی مانع نگردد، باران آسمانی را هیچ حائلی حاجز نشود. از این کلام مرادم اینست که وقتیکه کتابهای افترا منتشر شود و در جرائم مفتریات نوشته گردد، شما محزون نشوید، بلکه بدانید که این سبب قوت امر الله است. زیرا درخت بی بار را کسی سنگ نزند، چراغ خاموش را کسی تعرض ننماید، آنچه واقع شود همان سبب قوت امر الله است نظیر آنکه از پیش گذشت.

در زمان موسی نگاه کنید غرور فرعون بنی اسرائیل را مدد و عون بود. هر چند آن ظالم اعلان کرد که موسی قاتل است لهذا باید قصاص گردد ولی این قوت تأثیری نداشت. فریاد کرد که این موسی و هارون هر دو مفسدند می خواهند دین مبین شما را بهم زنند و در مملکت اختلاف و فساد اندازند، لهذا اهلاک و اعدام آنها لازمست "ان هذان لساحران یریدان ان یدّلا دینکم بسحر هما و یدهبا بطریقتکم المثلی" ابداً تأثیر نکرد، بلکه نور موسی درخشید شریعتش منتشر شد نورانیت تجلی سینا احاطه کرد. و همچنین فریسیان وقتی فریاد بر آوردند که مسیح استغفر الله مسیح است، زیرا سبت را شکسته شریعة الله را منسوخ کرده، طلاق را حرام نموده، تعدد نساء را منع کرده، مقصدش هدم قدس الاقداس است خرابی بیت الله است. و ویلا، و دینا، و مذهبا، فریاد بر آوردند که بدار زیند بدار زیند. این اعتراضات آنها هیچ اثری نداشت، صبح مسیح طلوع نمود، نفثات روح القدس در جمیع عالم تأثیر کرد، همه اقوام مختلفه را متحد نمود.

مقصد اینست که از مفتریات قوم و کذب و مجادله آنها هیچ فتوری به امر الله وارد نمی آید، بلکه سبب علو امر الله است و دلیل بر آن است که اگر امر عادی بود، کسی تعرضی بر آن نمی نمود. امر هر قدر عظیم تر است، دشمنش بیشتر است. لهذا ما باید در نهایت ثبوت و رسوخ به موجب تعالیم بهاء الله عمل نمائیم. مرحبا.

